

خروج بانک‌ها از چالش بنگاهداری: یک مطالعه تجربی از بانک‌های ایرانی

ثریا بیرامی^۱ | سیدعلی درافشان^۲

۱

سال اول

بهار و تابستان ۱۴۰۳

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:

۱۴۰۲/۰۸/۰۸

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۲/۱۰/۰۵

صص: ۱۲۹-۱۰۵



چکیده

بانک‌ها با جمع‌آوری سپرده‌ها و دادن تسهیلات به متقاضیان، وظیفه اصلی و دیرینه خود یعنی واسطه‌گری مالی را انجام می‌دهند؛ ولی با وجود قانون بانکداری بدون ربا و دستورالعمل‌های سرمایه‌گذاری، بانک‌ها می‌توانند در کنار وظیفه اصلی خود، به سرمایه‌گذاری در بنگاه‌های اقتصادی نیز بپردازند. مقاله حاضر به یکی از موضوعات مهم اقتصادی با عنوان «راهکارهای برون‌رفت بانک‌ها از چالش سرمایه‌گذاری (بنگاه‌داری)» می‌پردازد. به لحاظ نوع روش تحقیق، این پژوهش توصیفی از نوع پیمایشی است که از ابزار توزیع و تحلیل پرسشنامه استفاده شده است. پس از ارائه دلایل بانک‌ها جهت ورود به بنگاهداری با شاخص‌های ذی‌ربط و نمره‌گذاری به متغیرهای این شاخص‌ها در قسمت آمار توصیفی از نرم‌افزار اس‌پی‌اس‌اس و در قسمت آمار استنباطی از روش معادلات ساختاری و روش حداقل مربعات جزئی به اثبات یا رد فرضیه‌های ارائه شده پرداخته شد. نتایج آزمون‌های آماری نشان از تأیید تمامی فرضیه‌های تحقیق دارد.

کلیدواژه‌ها: بانک، سرمایه‌گذاری، بنگاهداری بانک‌ها

۱. دانشجوی دکتری رشته مدیریت صنعتی دانشگاه تهران

۲. دانشجوی دکتری رشته مدیریت صنعتی دانشگاه تهران

مقدمه و بیان مسئله

متأسفانه اقتصاد ایران چند سالی است با پدیده جدیدی به نام بنگاهداری بانک‌ها مواجه شده است. یکی از انگیزه‌های اصلی برای بنگاهداری بانک‌ها، نامتناسب بودن نرخ سود و نرخ تسهیلات می‌باشد. بانک‌ها ناگزیرند برای اینکه سود سپرده‌ها را پرداخت کنند، در بخش‌های غیرمولد نیز سرمایه‌گذاری‌هایی انجام دهند. همچنین از آنجا که نرخ سود سپرده‌گذاری و تسهیلات بانکی از تورم پایین‌تر است، حفظ ارزش سپرده‌های جمع‌آوری‌شده از راه‌هایی مانند بنگاهداری و سفته‌بازی در بورس انجام می‌شود. انواع قراردادهای مشارکتی بانک‌ها در تسهیلات بانکی نیز عملاً پای بانک‌ها را به بنگاهداری باز می‌کند، زیرا اصرار قانون‌گذار به مشارکت واقعی در سود و زیان با تسهیلات گیرندگان موجب می‌شود که بانک حداقل به میزان سهم الشرکه خود اجازه دخالت در مدیریت بنگاه اقتصادی را بدهد.

با اشاره به ماده ۳۴ قانون پولی و بانکی مصوب سال ۱۳۵۱ که مصداق آن به شرح «خرید سهام و مشارکت در سرمایه یک یا چند شرکت و یا خرید اوراق بهادار داخلی یا خارجی به حساب خود به میزانی بیش از آنچه که بانک مرکزی ایران به موجب دستورالعمل‌ها یا آیین‌نامه‌های خاص تعیین خواهد کرد، ممنوع است» از این ماده قانونی این چنین برداشت می‌شود که قانون‌گذار، اجازه ورود به بحث سرمایه‌گذاری و مشارکت در سهام را به بانک‌ها اعطا کرده است. همچنین بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، قوانینی در زمینه بانکداری بدون ربا تعیین و مصوب شد که در این میان، ماده ۲۲ قانون بانکداری بدون ربا به موضوع سرمایه‌گذاری بانک‌ها اشاره کرده است و بیان می‌دارد که «بانک‌ها می‌توانند، با اجازه بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران با مؤسسات دولتی و وابسته به دولت و شرکت‌های دولتی به عملیات مجاز بانکی مبادرت نمایند» (هادی زنوز و برمکی، ۱۳۹۵)؛ بنابراین بنگاهداری و مشارکت در سرمایه‌گذاری در قانون عملیات بانکداری بدون ربا و در قانون پولی و بانکی آمده و براساس این موارد، بانک مرکزی حدود را تعیین کرده است. بر اساس مقررات

موجود، بانک‌ها نمی‌توانند بیش از ۴۰ درصد سرمایه پایه خود را به مشارکت یا بنگاهداری اختصاص دهند و این نسبت‌ها از سوی بانک مرکزی برحسب شرایط اقتصادی و مسائل گوناگون مورد بازنگری و بررسی قرار می‌گیرد. با این تفاسیر می‌توان مدعی شد که بانک‌ها برای ورود به بنگاهداری و مشارکت، مجوزهای قانونی را دارا هستند.

بحث بنگاهداری بانک‌ها و ورود شرکت‌های وابسته آن‌ها ناسازگار با منافع ملی است. بسیاری از کارشناسان بر این باورند که منابع جذب‌شده توسط بانک‌ها به تولید تخصیص داده نشده و صرف بنگاهداری بانک‌ها می‌شود. بنا بر سیاست‌های بانک مرکزی و وزارت امور اقتصادی و دارایی، اگر بانکی اقدام به تأسیس شرکت سرمایه‌گذاری کند، این شرکت تنها مجاز به ورود به آن دسته از بخش‌های تولیدی است که بخش خصوصی توان ورود به آن را ندارد. بخش‌هایی مانند صنایع انرژی‌بر و دیگر صنایعی که منابع مالی سنگینی می‌طلبند و دیربازده هستند، نه بخش‌هایی مانند ساخت‌وسازهای لوکس در مناطق اعیان‌نشین کلان‌شهرها که مخرب بازار است و تورم در بخش مسکن را از این مناطق به دیگر مناطق پایین‌تر و در نهایت به کل کشور تسری می‌دهد.

اکنون به‌واسطه این پدیده مخرب اقتصادی، بخشی از سرمایه‌های ورودی بانک‌ها که باید به بخش‌های صنعتی، کشاورزی، تولیدی، خدماتی و خانواده‌های تحت فشار برسد، عملاً در دست خود بانک‌ها بلوکه شده است. همچنین ورود بانک‌ها به فعالیت‌های بنگاهداری، تمرکز آن‌ها بر اصلاح، ارتقا و بهره‌وری نظام بانکی را کاهش داده و موجب شده است که بخشی از تمرکز آن‌ها بر مدیریت و حفظ بنگاه‌های تحت پوششان معطوف شود. از سوی دیگر این پدیده مانع از تحقق فضای سالم موردنیاز برای رشد و رقابت بنگاه‌های اقتصادی است، چراکه قدرت انحصاری بانک‌ها، امکان رقابت سایر بخش‌های خصوصی را در عرصه‌هایی که بانک‌ها به آن ورود کرده‌اند، کاهش می‌دهد. با این تفاسیر در این پژوهش ما به دنبال راهکارهایی جهت خروج از این معضل اقتصادی هستیم و مسئله ما راهکارهای خروج بانک‌ها از بنگاهداری می‌باشد.

مبانی نظری و پیشینه تحقیق

رابطه بین بانک و بنگاه‌ها

فاما و جنسن^۱ (۱۹۸۳) بیان داشتند، وظیفه هیئت‌مدیره ارائه خدمات و عملکردهای نظارتی است. منبع این ارزش ممکن است تخصص بانکدار در بالا آوردن سرمایه‌ها یا توانایی‌اش برای ارائه خدمات نظارتی باشد. از این منظر، یکی از ارزش‌های داشتن بانکدار در هیئت‌مدیره بنگاه، نقش بانکدار کنترل رأی‌گیری سهام در بنگاه است. وظایف رأی‌گیری باید انگیزه بانک را برای سرمایه‌گذاری سرمایه انسانی در بنگاه افزایش دهد. علاوه بر این، رأی‌گیری سهام بانکدار باید به حضور او در هیئت‌مدیره اعتبار دهد.

«مدیریت واحد» به عنوان یک وسیله اصلی در ایجاد روابط طولانی‌مدت بین بنگاه‌های صنعتی و بانک‌های جهانی در نظر گرفته می‌شود. ردلف هیفلر دینگ^۲ در مطالعه خود در خصوص توسعه اقتصادی اتریش و آلمان قبل از جنگ جهانی اول مطرح کرد که بانک‌ها از طریق مدیریت واحد و سهامداری قادر به صنعتی کردن قدرتشان خواهند شد که به طور فزاینده‌ای غالب بر کل اقتصاد است. دیوید افگود بر «اتحادیه‌های شخصی» در ایجاد رابطه بین بانک و بنگاه تأکید داشته است. در اکثر مطالعات این به هم پیوستگی^۳ در بانک‌ها به عنوان «منطقه نفوذ» تعریف شده است. در این میان برند و رنکی^۴ (۱۹۱۳) در مطالعه خود اظهار کردند هیچ کدام از کسب و کارهای صنعتی قادر به حفظ استقلال خود از بانک‌ها نخواهند بود و در این مسیر منطقه نفوذ به طور وسیعی به وجود آمد. آن‌ها به افزایش گروه‌های اقتصادی وابسته به حکومت اشاره داشتند که در نتیجه به هم پیوستگی ایجاد شده بود، در طول دهه ۱۹۷۰ «به هم پیوستگی» به عنوان عامل مهمی در بین مفاهیم مالی جا باز کرد. عملکرد

1 Fama & Jensen

2 Hilferdin

3 Interlocking

4 Berend & Ránki

کنترلی یک عامل اصلی در تفاسیر به‌هم‌پیوستگی در مطبوعات اقتصادی بین‌المللی بوده است.

بر اساس نظریه کنترلی، مشکلات مربوط به اثبات‌پذیری، قابلیت اجرا، مشاهده‌پذیری و تعهدات ممکن است مانع از ایجاد قراردادهای کامل شود. به این معنی که نوشتن قراردادهای کامل ممکن است بسیار گران شود. به دلیل فقدان قراردادهای کامل طلبکاران در مقابل بدهکاران وضعیت بی‌دفاع خواهند داشت که این مسئله آن‌ها را مجبور به تلاش برای کنترل بدهکاران به‌منظور جلوگیری از ضرر و زیان خواهند کرد. به‌هم‌پیوستگی را می‌توان به‌عنوان یک ابزار مهم برای کنترل در نظر گرفت.

در کنار تئوری کنترل، تئوری اطلاعات در اقتصاد به‌عنوان یکی دیگر از تفاسیر به‌هم‌پیوستگی محبوبیت پیدا کرده است. تئوری‌های اطلاعاتی بیان می‌کند که تناسب اطلاعاتی بین طلبکاران و بدهکاران وجود ندارد. از آنجایی که طلبکاران بانک‌ها مستند اطلاعات کمی در مورد بدهکاران دارند، اگر این شرایط ادامه پیدا کند بدهکاران قابل‌اعتماد اندازه غیرقابل اعتمادها اعتبار دریافت می‌کنند. مؤسساتی وجود دارد که می‌توانند این مشکل عدم تناسب اطلاعاتی را برطرف کنند. با به‌هم‌پیوستگی بانک‌ها قادر به اعمال نفوذ بر صنعت خواهند شد. این کنترل عملکرد به‌هم‌پیوستگی در ساختارهای متفاوت بااهمیت‌های متفاوت که در تحقیق اقتصادی نمایان شده است با نظریه اطلاعاتی کامل شده است.

در عمل یک مورد درباره تغییر پیچیدگی به‌هم‌پیوستگی وجود دارد. تومکا معتقد است که هیچ کدام از این استدلال‌ها به‌ویژه زمانی که هنوز منحصرأ به کار برده نشده‌اند نمی‌توانند توضیحات کافی مبنی بر اینکه چرا روابط بین بانک‌ها و بنگاه‌های اقتصادی شده است، ارائه دهند. این مسئله آشکار نیست که آیا بر اساس فرضیه میلفردینگ و طرفدارانش واقعاً به‌هم‌پیوستگی به بانک‌ها تسلط و برتری می‌دهد یا اینکه عملکرد اصلی به‌هم‌پیوستگی برای بانک‌ها اعمال کنترل بر بنگاه‌های صنعتی است و این هم روشن نیست که آیا نظارت هدف اصلی به‌هم‌پیوستگی است یا نه. عملکرد و نظارت هر دو پیش‌فرض است که بانک‌ها منابع

را برای بنگاه‌های صنعتی مرتبط به خودشان فراهم می‌کنند و این موضوع دقیقاً همان چیزی است که باعث می‌شود کنترل و نظارت هم‌زمان امکان‌پذیر و لازم شود (قاسم‌زاده جوشین، ۱۳۹۵).

حدود بنگاهداری برای بانک‌های ایران

ابتدای زمان انقلاب این ایده شایع شد که برای اینکه بانک‌ها فعالیت ربوی نداشته باشند، باید در شرکت‌ها سهام‌دار شوند و تعداد زیادی از شرکت‌هایی که صاحبانشان به خارج از کشور رفته بودند، به تملک این بانک‌ها دربیاید. به همین جهت بیشتر بانک‌های دولتی سهامدار تعدادی از شرکت‌ها و بنگاه‌های اقتصادی شدند. بعد از مدتی مشخص شد بانکداری و بنگاهداری دو امر کاملاً جدا بوده و موفقیت یک فرد در زمینه بانکداری به منزله موفقیت او در بنگاهداری نیست و بالعکس. بر این اساس، مطابق طرح تحول نظام بانکی یا بانکداری بدون ربا (۱۳۹۱)، مسئولین تصمیم گرفتند که فعالیت بانکداری از بنگاهداری جدا شود.

مطابق دستورالعمل‌های سرمایه‌گذاری مؤسسات اعتباری که موضوع بند ۳ ماده ۳۴ قانون پولی بانکی کشور است و در فروردین سال ۱۳۸۶ توسط شورای پول و اعتبار به تصویب رسید، بانک‌ها می‌توانند در مجموع ۴۰٪ از سرمایه پایه خود را به صورت مستقیم، با و بدون واسطه سرمایه‌گذاری نمایند که البته همین دستورالعمل نیز ضوابط خود را دارد. برای مثال، بانک‌ها نمی‌توانند بیشتر از ۱۰٪ سرمایه خود را در شرکت‌های بورس و بیشتر از ۵٪ از سرمایه خود را در شرکت‌های غیربورسی سرمایه‌گذاری کنند. علاوه بر این سرمایه‌گذاری بانک‌ها با هدف کسب سود در شرکت‌ها نباید بیش از ۲۰٪ سرمایه آن شرکت باشد. سرمایه‌گذاری بانک‌ها با هدف بهبود و تنوع خدمات مالی و بانکی خود در شرکت‌هایی مثل لیزینگ و سرمایه‌گذاری، نباید بیشتر از ۴۹٪ سرمایه‌گذاری آن شرکت‌ها باشد. در این حالت دو نکته مهم وجود دارد: اول، مجموعه شرکت‌هایی (مثل صرافی‌ها و کارگزاری‌ها) که به نوعی مکمل فعالیت‌های بانکی بوده، میزان سهام بانک‌ها در این شرکت‌ها نباید بیش از ۴۹٪ باشد.

مورد دوم، فعالیت مجاز بانک‌ها در بازار خرید و فروش سهام، معادل ۴۰٪ سرمایه پایه آن‌هاست (قاسم‌زاده جوشین، ۱۳۹۵). تعیین حدود بنگاهداری برای بانک‌های ایرانی مستلزم رجوع به بند ۳ ماده ۳۴ قانون پولی و بانکی کشور (مصوب ۱۳۵۱/۳/۱۸ و اصلاحات پس از آن) می‌باشد.

در این ماده تأکید شده است انجام این موارد برای بانک‌ها ممنوع می‌باشد؛ خرید و فروش کالا به منظور تجارت، انجام معاملات غیرمنقول (جز برای بانک‌هایی که هدف فعالیت آن‌ها غیرمنقول می‌باشد)، خرید سهام و مشارکت در سرمایه یک یا چند شرکت / خرید اوراق بهادار داخلی یا خارجی به حساب خود بیش از حدود مجازی که بانک مرکزی تعیین کرده است، اعطای اعتبار به اعضای ارکان خود و مؤسساتی که اعضای مزبور در آن ذینفع‌اند و سایر اشخاص حقیقی یا حقوقی بیش از آنچه که بانک مرکزی اعلام کرده است، اعطای اعتبار به اعضای ارکان یا رؤسای ادارات و بازرسان بانک مرکزی مگر با رعایت آیین‌نامه‌ای که در این مورد به تصویب شورای پول و اعتبار خواهد رسید، انتشار اوراق دیداری در وجه حامل (ربیع‌زاده، ۱۳۹۳).

نحوه بنگاهداری بانک‌ها

حضور در هیئت‌مدیره شرکت‌ها و داشتن کرسی و حق رأی، اولین و مشخص‌ترین اثر بنگاهداری است. بسیاری از گروه‌های بانکداری در سال‌های اخیر و به این منظور بازوهای مدیریت دارایی را توسعه داده‌اند (برای مثال خدمات صادقانه بانک و صندوق‌های دو طرفه). بانک‌ها از طریق عضویت در هیئت‌مدیره شرکت‌ها، قادر به تأثیرگذاری بر مدیریت بنگاه‌ها خواهند بود. این مسئله با این حقیقت اثبات می‌شود که بنگاه‌های تحت نظارت بانک‌ها بهتر عمل خواهند کرد. با این حال باید توجه داشت که در بنگاهداری بانک‌ها، سه نوع رابطه نباید مغفول بماند: ۱- ترکیب هیئت‌مدیره بنگاه‌ها و بانک‌های سهامی عام. در این حالت بانک سهامدار مستقیم نبوده و ممکن است هم بانک و هم شرکت به مجموعه‌ای متعلق باشند که ذیل مدیریت واحد منابع قابل توجهی از بانک به سمت شرکت‌های خاص سوق داده شود؛

۲- میزان مستقیم مالکیت و سهام شرکت که بانک در اختیار دارد؛ و ۳- میزان سهامی که سایر مؤسسات حقوقی یا بنگاه‌های مدیریت وجوه ذیل بانک موردنظر با سایر بانک‌ها در اختیار دارند.

موضوع مهم دیگر در مورد نحوه بنگاهداری بانک‌ها با توجه به تجربه بانک‌های آلمانی، اثربشی و مجارستانی این است که در اواخر قرن ۲۰ از طریق شراکت در سهام بنگاه‌ها و ذیل بانکداری جامع، ابتدا تسلط بر بنگاه‌ها افزایش یافت و سپس سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت با کسب و کارهای کوتاه و بنگاه‌های کوچک و متوسط ترکیب شد. آن‌ها همچنین یک سیستم دو هیئت‌امنایی را با یک هیئت‌مدیره و سرپرستی اجرایی کردند. به هم پیوستگی بین بانک‌ها و دیگر بنگاه‌ها یک مسئله رایج در کشورها بود، به طوری که مدیران و کارمندان ارشد بانک‌های بزرگ در هیئت‌مدیره شرکت‌های مختلفی حضور داشتند (قاسم‌زاده جوشین، ۱۳۹۵).

موضوع قانون دادفرانک و وکر^۱ با موضوع بنگاهداری بانک‌ها با قانون بانکداری کشور ما ارتباط بسیار نزدیکی دارد. از این رو جا دارد اشاره‌ای مختصر به این قانون شود. دولت وقت آمریکا در سال ۲۰۰۹، قانون دادفرانک را به مجلس آمریکا پیشنهاد داد. این قانون، جهت ثبات مالی، برقراری شفافیت و مسئولیت‌پذیری نظام مالی و پایان دادن به این تصور که برخی از نهادهای بزرگ‌تر از آن هستند که شکست بخورند، عمل کرد. قانون ۱۶ ماده‌ای دادفرانک که به پیشنهاد وکر در سال ۲۰۰۹ ارائه شد، به ایجاد موازین و ضوابط برای معامله‌گری بانک‌ها در حوزه‌هایی غیر از مأموریت اصلی بانک‌ها می‌پردازد. مطابق این قانون؛

۱. بانک‌ها حق معامله‌گری اختصاصی را ندارند. بدین مفهوم که بانک‌ها و شرکت‌های فرعی آن‌ها حق سرمایه‌گذاری در صندوق‌های پوششی و اختصاصی سهام را ندارند؛

¹ Dodd-Frank & Volcker

۲. این قانون مؤسسات غیر بانکی را که در فعالیت‌های واسطه‌گری وارد شدند، مشمول ضوابط می‌کند؛

۳. این قانون بانک‌ها را محدود به حداکثر ۳ درصد سرمایه‌گذاری در صندوق‌های پوششی و اختصاصی سهام می‌کند.

اکنون به نظر می‌رسد بانک‌های ایرانی نیز با توجه به تجربه جهانی موضوع ورود بانک‌ها به فعالیت‌های سودجویانه، باید الگویی مطابق با شرایط و واقعیت‌های موجود اقتصادی کشور شناسایی کند و با رهگیری چگونگی ورود بانک‌ها به فعالیت‌های سودجویانه، چارچوب و ضوابطی برای تحدید بانک‌ها تدوین و به‌صورت قانون درآورد (حامدی، ۱۳۹۲).

پیشینه پژوهش

در زمینه موضوع بنگاهداری نظام بانکی پژوهش‌های معدودی انجام شده است که اصل برخی بر پدیده بنگاهداری تمرکز داشته و برخی به تأثیر پدیده بنگاهداری بر کیفیت عملکرد و سودآوری این نظام پرداخته‌اند. برای مثال، شریف مقدسی (۱۳۹۶) در خصوص پدیده بنگاهداری در نظام بانکی ایران و اثرات آن بر اقتصاد کلان از منظر سیاست‌های پولی و احتیاطی به اثرات بنگاهداری پرداخته است. قاسم‌زاده جوشین (۱۳۹۵) به بررسی اثر بنگاهداری بر سودآوری بانک‌های منتخب در ایران پرداخته است. دستاورد این مطالعه این است که بنگاهداری اثر معناداری بر سودآوری بانک‌ها نداشته است. خوانساری و قلیچ (۱۳۹۴) در گزارش عوامل مؤثر بر تحقق سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی در نظام بانکی به نقش بی‌بدیل در تأمین مالی فعالیت‌های اقتصادی پرداخته‌اند و پس از تبیین اقتصاد مقاومتی، تجربه جهانی مربوط به مقاوم‌سازی نظام بانکی را مورد بررسی قرار داده‌اند. این نویسندگان عوامل مؤثر بر تحقق سیاست‌های اقتصاد مقاومتی را در سه جنبه درون نهادی، میان نهادی و فرا نهادی را معرفی کردند. تاری (۱۳۹۵) در مقاله خود نتیجه‌گیری می‌کند، با توجه به اینکه ارکان مختلف بانک مرکزی تحت حاکمیت دولت و بدنه دولت هستند این امر امکان

مدیریت و تنظیم سیاست‌های مستقل را از بانک مرکزی می‌گیرد و دیگر اینکه وظایف و مسئولیت‌های ارکان بانک مرکزی شفاف نمی‌باشد.

در تحقیقی که توسط پورصفر و معصومی‌نیا (۱۴۰۱) با توجه به اطلاعات ۲۰ بانک نمونه در دوره زمانی ۱۸ ساله بین سال‌های ۱۳۸۰-۱۳۹۷ انجام شده است، نتیجه‌گیری کردند گرفتار شدن بانک‌ها در بنگاهداری از آنجا که نظام تأمین مالی در ایران بانک محور است، پیامدهای ناگواری بر رشد اقتصادی خواهد داشت و بی‌راه نیست که منشأ رکود اقتصادی موجود به عوامل نظیر بنگاهداری برگردد. مظاهری و همکاران (۱۳۹۷)، در بررسی تأثیر مقررات حاکم بر نوع فعالیت‌های غیر بانکی و بنگاهداری بر عملکرد صنعت بانکداری در کشورهای در حال توسعه در بازه زمانی سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۲، مشخص کردند وضع محدودیت‌های سخت‌گیرانه بر فعالیت بانک‌ها در حوزه بازار سرمایه و بیمه تأثیر معناداری بر نسبت کفایت سرمایه ندارد. به علاوه، هرچقدر سختگیری در مورد فعالیت بانک‌ها در حوزه املاک و مستغلات بیشتر شود، نسبت کفایت سرمایه به طور معناداری بهبود می‌یابد. در مقابل افزایش سخت‌گیری در حوزه فعالیت‌های مالی غیر بانکی به طور کلی اثر منفی بر کفایت سرمایه دارد.

شفیعی‌نژاد و شاهی‌سوق (۱۳۹۶) طی بررسی گذار بانک‌ها از بنگاهداری به سمت بانکداری برای بانک قوامین نشان دادند اثر شاخص‌های کلان اقتصادی بر مطالبات معوق بانک‌ها، ارتباط میان ساختار بازار و ضریب سودآوری در نظام بانکی ایران، بررسی رابطه بین رشد اقتصادی و بازده سهام بانک‌های پذیرفته‌شده در بورس، تأثیر گسترش سهم بانک‌های خصوصی در نظام بانکی بر مطالبات معوق سیستم بانکی و تأثیر نوسانات بازار سهام بر عملکرد بانک‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار بر گذر بانک قوامین از بنگاهداری مؤثر هستند. مشابه مطالعه فوق، کریمی وردنجانی و همکاران (۱۳۹۹) با هدف شناسایی عوامل مؤثر بر ایجاد پدیده بنگاهداری در نظام بانکی مشخص کردند، در بین عوامل عملیاتی مؤثر در ایجاد پدیده بنگاهداری در نظام بانکی، پنج عامل بازدهی بالای بازارهای

موازی، وثایق تسهیلات و مطالبات، معوق نا اطمینانی و بی‌ثباتی در متغیرهای کلان اقتصادی، واگذاری شرکت‌های دولتی به بانک‌ها به ازای دیون دولت به نظام بانکی و خلأ و فقدان قوانین و مقررات نظارتی در کشور بالاترین بار عاملی را داشته‌اند. به عبارتی اثرگذارترین عوامل مؤثر در ایجاد پدیده بنگاه‌داری بشمار می‌آیند. همچنین تسهیلات تکلیفی و عدم اجازه به ارزیابی تسهیلات گیرندگان، اجازه و تشویق بانک‌ها برای حضور گسترده در بازار سرمایه، بانکداری بنگاه‌ها، ضعف بانک مرکزی در نظارت و برخورد با متخلفین و نامناسب بودن نرخ سود تسهیلات بانکی، به ترتیب پنج عامل بعدی هستند که در ایجاد بنگاه‌داری نقش داشته‌اند.

نیلی و همکاران (۱۳۹۴) بیان داشتند، ارزیابی بخشنامه‌های نظارتی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران در دوره زمانی (۱۳۹۱-۱۳۸۸)، بیانگر عدم توجه به ضرورت مقررات‌گذاری نظارتی در حوزه سیستم‌های پرداخت می‌باشد؛ درحالی‌که گسترش و تنوع سامانه‌های پرداخت در سال‌های اخیر بیانگر ضرورت مقررات‌گذاری نظارتی در این حوزه است. هرچند بیشتر بخشنامه‌های نظارتی صادره در این دوره، وظیفه مقررات‌گذاری و نظارت بانک مرکزی بر نظام بانکی را تحت پوشش قرار داده‌اند، بااین‌وجود این بخشنامه‌ها در راستای تأمین الگوی مطلوب نظارت که توسط اصول نظارت مؤثر بانکی کمیته بال طراحی شده‌اند، تنظیم نشده‌اند. ارزیابی کلی این بخشنامه‌ها در قالب اصول فوق بیانگر وجود خلأهای شدیدی در الگوی نظارتی و مقرراتی بانک مرکزی در نظارت بر بانک‌هاست، الگویی که منجر به تنظیم فضای مناسبی در حوزه کسب‌وکار بانکی نخواهد شد.

بر اساس مطالعه انجام‌شده در این مقاله، نادیده گرفتن حوزه اهداف، استقلال و اختیارات ناظر، به همراه حوزه صدور مجوز و ساختار می‌تواند به دلیل ارزیابی دوره زمانی محدودی از بخشنامه‌های نظارتی توجیه شود. ازاین‌رو در این زمینه نمی‌توان پیشنهادی برای مقررات‌گذاری ارائه نمود. پس از این دو حوزه، ازجمله مهم‌ترین حوزه‌های مغفوله، عدم پیاده‌سازی اقدامات احتیاطی مناسب با تأکید بر مقررات‌گذاری لازم در مدیریت ریسک

است که باید چاره‌اندیشی لازم در این خصوص صورت پذیرد. در پایان نیز ضروری است مقوله نظارت مستمر، حسابداری و افشا نیز به مقدار بیشتری در مقررات‌گذاری مورد توجه ادارات ذی‌ربط در بانک مرکزی قرار گیرد.

با توجه به بررسی مبانی نظری و پیشینه مطالعات قبلی مدل مفهومی تحقیق به صورت شکل ۱ ارائه می‌شود. طبق مدل مفهومی متغیرهای تحقیق از نوع مستقل و وابسته می‌باشند. به این صورت که نرخ سود بانکی، استقلال بانک مرکزی، قوانین و مقررات، سیستم نقل و انتقال دارایی‌های بانکی، سند بازل، انتصاب مدیران، بانک‌های دولتی و خصوصی، میزان سرمایه‌گذاری و شرایط اقتصادی کشور از نوع متغیر مستقل بوده که بر بنگاهداری بانک‌ها تأثیر می‌گذارند. بر این اساس، فرضیه‌های تحقیق به صورت زیر پیشنهاد می‌شوند:

فرضیه اول، بین میزان سود بانکی و بنگاهداری بانک‌ها رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه دوم، بین مستقل شدن بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و بنگاهداری کردن بانک‌ها رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه سوم، بین وضع قوانین و مقررات مبارزه با بنگاهداری بانک‌ها با بنگاهداری شدن بانک‌ها رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه چهارم، بین آثار و تبعات بنگاهداری بانک‌ها با مشکلات اقتصادی کشور رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه پنجم، بین سیستم جامع نقل و انتقال اطلاعات در خصوص دارایی‌های بانک‌ها و مؤسسات مالی و اعتباری با بنگاهداری بانک‌ها رابطه معناداری وجود دارد.

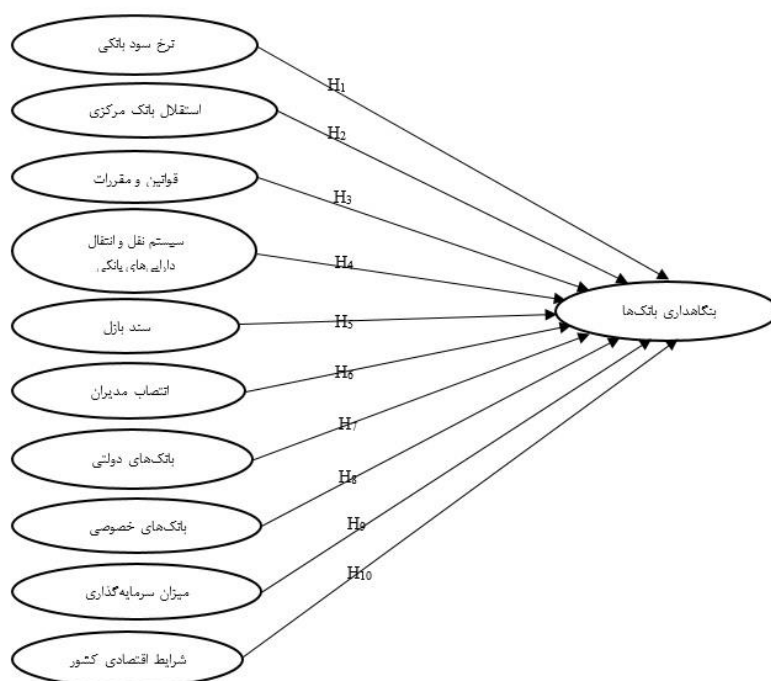
فرضیه ششم، بین رعایت الزامات سند بازل (کفایت سرمایه، ریسک دارایی‌ها و ...) و بنگاهداری بانک‌ها رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه هفتم، بین انتصاب مدیران شایسته برای بانک‌ها با بنگاهداری بانک‌ها رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه هشتم، بین میزان ورود به بنگاهداری در بانک‌های دولتی با بنگاهداری بانک‌ها رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه نهم، بین میزان ورود به بنگاهداری در بانک‌ها خصوصی با بنگاهداری بانک‌ها رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه دهم، بین میزان سرمایه‌گذاری بانک‌ها و بنگاهداری آن‌ها رابطه معناداری وجود دارد.



شکل ۱- مدل مفهومی تحقیق (منبع: مبانی نظری تحقیق)

روش تحقیق

این مطالعه از حیث هدف، کاربردی محسوب می‌شود که به منظور مشخص کردن یک مشکل اقتصادی انجام گرفته است. برحسب نحوه گردآوری اطلاعات، از نوع توصیفی است

زیرا هدف آن توصیف شرایط و پدیده‌های مورد بررسی است. گردآوری اطلاعات در این تحقیق به صورت اسنادی (کتاب، مقاله‌ها، پایان‌نامه‌ها، متون اینترنتی و ...) و استنباطی با روش پیمایشی (توزیع و تحلیل پرسشنامه) بوده است. از سوی دیگر با توجه به اینکه در پژوهش حاضر اطلاعات در یک مقطع زمانی از خبرگان و متخصصان حوزه بانکی، تحلیلگران و مشاورین اقتصادی، استاد دانشگاه و کارشناسان اقتصادی کشور گردآوری شده‌اند، بنابراین روش پیمایشی به صورت مقطعی و بررسی موردی بوده است. همچنین چون به بررسی رابطه میان متغیرها می‌پردازد از نوع پژوهش همبستگی نیز هست.

جامعه آماری پژوهش را تعداد ۲۰۰ نفر از خبرگان اعم از متخصصان، صاحب‌نظران و مسئولین بانکی کشور تشکیل می‌دهد که حداقل دارای ۱۰ سال سابقه کاری مفید در حوزه پولی- بانکی کشور می‌باشند. میزان حجم نمونه بر اساس فرمول کوکران، تعداد پاسخ‌دهندگان ۱۳۲ نفر را در نظر گرفته شدند. در نهایت برای حصول اطمینان بیشتر، تعداد ۱۶۵ پرسشنامه محقق ساخته بین خبرگان بانکی توزیع شد که در مجموع ۱۴۸ پرسشنامه برگشت داده شد. ۱۲ پرسشنامه فاقد اعتبار تشخیص داده شد و نهایتاً ۱۳۶ پرسشنامه برگشتی تحت تحلیل SEM-PLS قرار گرفت. درواقع نرخ بازگشت پرسشنامه برابر با ۸۹ درصد بوده است.

در این پژوهش برای تجزیه و تحلیل داده‌ها در قسمت آمار توصیفی از نرم‌افزار اس پی اس اس ۱۹ و در آمار استنباطی که رابطه میان متغیرها بر اساس هدف پژوهش تحلیل می‌گردد از روش مدل‌سازی معادلات ساختاری (SEM) مبتنی بر حداقل مربعات جزئی (PLS)، استفاده شده است. این روش بهترین ابزار برای تحلیل تحقیقاتی است که روابط بین متغیرها پیچیده، حجم نمونه اندک و توزیع داده‌ها غیر نرمال باشد (دیامانتوپولوس^۱ و همکاران، ۲۰۱۲). از آنجایی که اثر تعاملی دو متغیر با توزیع نرمال در اکثر مواقع دچار

¹ Diamantopoulos

چولگی می‌شود بهتر است از روش PLS برای بررسی تحلیل اثر تعاملی استفاده شود که به توزیع نرمال حساسیت نداشته باشد.

جدول ۱- متغیرها و سؤالات پرسشنامه

متغیرها	تعداد سؤال
نرخ سود (تسهیلات و سپرده) بانکی	۶
استقلال بانک مرکزی	۶
قوانین و مقررات	۷
شرایط اقتصاد کشور	۸
عدم وجود سیستم جامع جهت رهگیری و نقل و انتقال اطلاعات دارایی‌های بانک‌ها و مؤسسات مالی و اعتباری	۵
انتصاب مدیران شایسته و توانمند برای بانک‌ها	۲
رعایت الزامات سند بازل (کفایت سرمایه، ریسک دارایی‌ها و ...) برای بانک‌های ایرانی	۳
همسویی بانک‌های دولتی با بنگاه‌داری	۲
همسویی بانک‌های خصوصی با بنگاه‌داری	۲
حد بهینه ورود بانک‌ها به سرمایه‌گذاری (اختصاص سرمایه به بنگاه‌داری)	۴

یافته‌های تحقیق

در بخش توصیفی نتایج بررسی اطلاعات جمعیت‌شناختی پاسخ‌دهندگان (مدیران، رؤسا، معاونین و کارشناسان تمام شعبات بانک سپه شرق تهران) مشخص کرد از بین آمار پاسخگویان ۷۷ درصد مرد و ۲۳ درصد آن‌ها زن بوده‌اند. از لحاظ سنی از بیشتر پاسخ‌دهندگان بین ۴۰ تا ۵۰ سال بوده‌اند که بیشترین آمار پاسخگو در بین نمونه آماری بوده‌اند. از نظر تحصیلات نیز معادل ۶۴ درصد از پاسخگویان دارای مدرک کارشناسی ارشد بوده که بیشترین افراد پاسخگو در نمونه آماری می‌باشند.

با توجه به نتایج پاسخ‌های دریافتی مشخص شد، معادل ۴۲ درصد از پاسخگویان دارای سابقه کاری ۲۰ تا ۲۵ سال (بیشترین افراد پاسخگو در بین نمونه آماری) و معادل ۱۴ درصد از پاسخگویان دارای سابقه کاری ۱۰ تا ۱۵ سال (کمترین پاسخگو) داشته‌اند. همچنین نتایج

■ خروج بانک‌ها از چالش بنگاهداری: یک مطالعه تجربی از بانک‌های ایرانی

پست سازمانی نمونه آماری معلوم کرد معادل ۲۳ درصد از پاسخگویان تحلیل‌گر اقتصادی (بیشترین افراد پاسخگو در بین نمونه آماری) و معادل ۰/۰۷ درصد از پاسخگویان دارای سمت معاون شعبه بانکی (کمترین افراد پاسخگو در بین نمونه آماری) بوده‌اند.

جدول ۲-اطلاعات جمعیت‌شناختی پاسخ‌گویان

ویژگی‌های جمعیت‌شناختی	مؤلفه‌های هر صفت	درصد فراوانی
جنسیت	مرد	۷۷
	زن	۲۳
تحصیلات	کارشناسی	۲۲
	کارشناسی ارشد	۶۳/۹۷
	دکتری	۱۳/۹۷
سن	۳۰-۴۰ سال	۲۱/۳۲
	۴۰-۵۰ سال	۴۲/۶۵
	بالای ۵۰ سال	۳۶/۰۳
	۱۵-۱۰ سال	۱۴/۷۱
سابقه کاری	۱۵-۲۰ سال	۲۰/۵۹
	۲۰-۲۵ سال	۴۱/۹۱
	بالای ۲۵ سال	۲۲/۷۹
	کارشناس	۱۰/۲۹
پست سازمانی	بانکدار	۱۳/۲۴
	معاون شعبه	۷/۳۵
	مدیر شعبه	۱۳/۲۴
	مشاور اقتصادی	۱۹/۲۱
	تحلیل‌گر اقتصادی	۲۳/۵۳
	استاد دانشگاه	۱۳/۲۴

برازش مدل‌های درونی (تحلیل عاملی تأییدی)

یک مدل اندازه‌گیری مربوط به بخشی از مدل کلی است که دربرگیرنده یک متغیر به همراه سؤالات مربوط به آن متغیر است (داوری و رضازاده، ۱۳۹۴). برای بررسی برازش مدل‌های اندازه‌گیری در روش PLS از سه معیار پایایی، روایی همگرا و روایی واگرا استفاده

می‌شود (بارکلای^۱ و همکاران، ۱۹۹۵) که در این تحقیق به دو پایایی و روایی همگرا بسنده شده است.

در روش PLS روایی همگرا با استفاده از شاخص بارهای عاملی و AVE موردسنجش قرار می‌گیرند. ضریب بار عاملی (λ) از طریق محاسبه مقدار همبستگی شاخص‌های یک سازه با آن سازه انجام می‌شوند به طوری که اگر این مقدار برابر و یا بیشتر از مقدار ۰/۴ شود (هالند^۲، ۱۹۹۹)، مؤید این مطلب است که واریانس بین سازه و شاخص‌های آن از واریانس خطای اندازه‌گیری آن سازه بیشتر بوده و پایایی در مورد آن مدل اندازه‌گیری قابل قبول است. نتایجی که در شکل ۲ آمده، نشان می‌دهد، تمامی سؤالات (گویه‌ها) بار عاملی بزرگ‌تر از ۰/۴ داشته و روابط این سؤالات با متغیرهای پنهان مربوط به خود در سطح اطمینان ۰/۹۹ معنادار شده است ($t > 1/96, p < 0/001$).

معیار بعدی برای سنجش روایی همگرا مربوط به شاخص AVE می‌باشد. این شاخص نشان‌دهنده میانگین واریانس به اشتراک گذاشته شده بین هر سازه با شاخص‌های خود است. به بیان ساده‌تر AVE میزان همبستگی یک سازه با شاخص‌های خود را نشان می‌دهد که هرچه این همبستگی بیشتر باشد، برازش نیز بیشتر است (بارکلای و همکاران، ۱۹۹۵). با کمک این شاخص معلوم شد تمام سازه‌های موردبررسی دارای میانگین واریانس استخراج شده بالاتر از ۰/۵ هستند (جدول ۳).

برای سنجش پایایی نیز از دو شاخص آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی استفاده شد. مقدار قابل قبول برای این دو شاخص ۰/۷ در نظر گرفته شده است. برتری پایایی ترکیبی نسبت به آلفای کرونباخ این است که پایایی سازه‌ها نه به صورت مطلق بلکه با توجه به همبستگی سازه‌های آن‌ها با یکدیگر محاسبه می‌کند (ورتس^۳ و همکاران، ۱۹۷۴). با این حال برای سنجش بهتر پایایی در روش PLS، هر دوی این معیارها به کار برده می‌شوند. نتایج پایایی برای

1 Barclay

2 Hulland

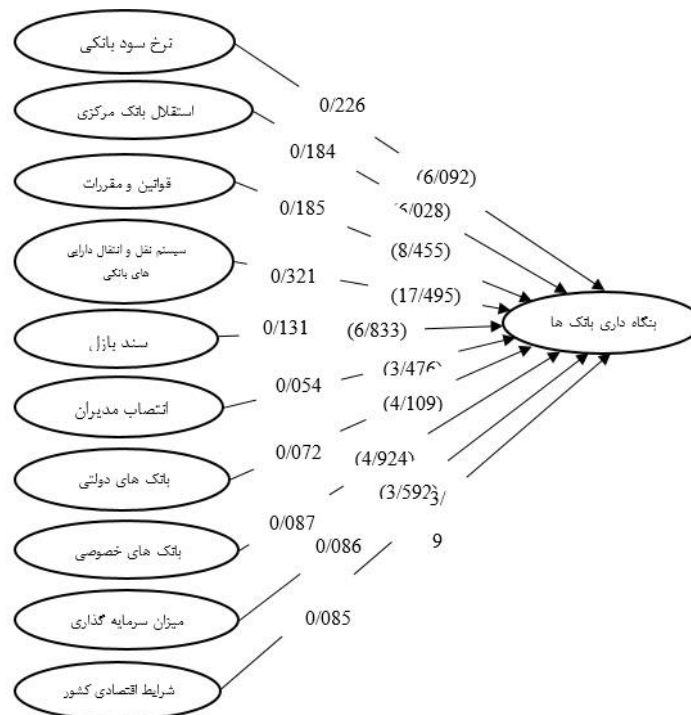
3 Werts

■ خروج بانک‌ها از چالش بنگاهداری: یک مطالعه تجربی از بانک‌های ایرانی

تمامی متغیرها همان‌طور که در جدول ۳ مشخص است بالاتر از ۰/۷ می‌باشد، در نتیجه نتایج پژوهش در مورد این دو معیار برازش مناسب مدل را تأیید می‌کند.

جدول ۳- گزارش معیارهای AVE، آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی

متغیرها	عنوان در مدل	میانگین واریانس استخراجی (AVE ≥ 0/5)	ضریب آلفای کرونباخ (Alpha ≥ 0/7)	ضریب پایایی ترکیبی (CR ≥ 0/7)
نرخ سود بانکی	P	۰/۵۶۸	۰/۷۱۶	۰/۷۷۲
استقلال بانک مرکزی	I	۰/۵۶۶	۰/۷۲۱	۰/۷۶۸
قوانین و مقررات	L	۰/۵۸۹	۰/۷۵۱	۰/۷۹۸
سیستم نقل و انتقال دارایی بانک‌ها	T	۰/۶۸۷	۰/۷۳۳	۰/۸۲۵
سند بازل	B	۰/۶۳۰	۰/۷۸۴	۰/۸۵۷
انتصاب مدیران	A	۰/۵۲۰	۰/۷۰۸	۰/۷۴۹
بانک‌های دولتی	G	۰/۵۷۳	۰/۷۵۸	۰/۸۱۸
بانک‌های خصوصی	Pri	۰/۵۸۳	۰/۷۶۳	۰/۸۲۴
سرمایه‌گذاری	Inv	۰/۶۵۱	۰/۷۸۹	۰/۸۴۷
شرایط اقتصادی	Co.Eco	۰/۵۱۴	۰/۷۹۲	۰/۸۹۲
بنگاهداری بانک‌ها	BB	۰/۵۳۸	۰/۸۱۷	۰/۸۴۷



شکل ۲- ضرایب معناداری T-values و ضرایب مسیر مدل

برازش مدل ساختاری

برای بررسی برازش مدل ساختاری با روش PLS در این پژوهش از ضرایب معیار Q^2 استفاده شد. Q^2 معیاری است که توسط استون و گیزر^۱ در سال ۱۹۷۵ معرفی شد و قدرت پیش‌بینی مدل را مشخص می‌سازد. هر چه مقادیر Q^2 مربوط به سازه‌های درون‌زای یک مدل بیشتر باشد، نشان از قدرت پیش‌بینی بهتر مدل دارد. هنسeler و همکارانش^۲ (۲۰۰۹)، سه مقدار ۰/۰۲، ۰/۱۵ و ۰/۳۵ را به ترتیب به عنوان مقادیر ضعیف، متوسط و قوی در مورد شدت قدرت پیش‌بینی مدل در مورد سازه‌های درون‌زا تعیین نموده‌اند. با توجه به مقدار

1 Stone & Geisser

2 Henseler

■ خروج بانک‌ها از چالش بنگاهداری: یک مطالعه تجربی از بانک‌های ایرانی

به‌دست آمده ۰/۲۱۲ برای متغیر BB (بنگاهداری بانک‌ها) برازش مناسب مدل ساختاری در این پژوهش تأیید می‌شود.

پس از بررسی برازش بخش اندازه‌گیری و بخش ساختاری مدل، برازش کلی مدل از طریق معیار GOF که توسط تنهوس ۱ و همکاران (۲۰۰۰)، ارائه شده است، استفاده می‌شود. این معیار از طریق رابطه زیر محاسبه می‌گردد.

$$GOF = \sqrt{\text{Communalities} \times R^2}$$

به‌طوری‌که Communalities نشانه میانگین مقادیر اشتراکی هر سازه هست و R^2 نیز دار میانگین مقادیر R Squares سازه‌های درون‌زای مدل است. مقدار GOF این تحقیق برابر ۰/۶۲۹ به دست آمد که با توجه به سه مقدار ۰/۰۱، ۰/۲۵ و ۰/۳۶ که به‌عنوان مقادیر ضعیف، متوسط و قوی برای GOF معرفی شده است (تنهوس و همکاران، ۲۰۰۰)، نشان از برازش کلی قوی مدل پژوهش دارد.

آزمون فرضیه‌های تحقیق

جدول ۴- نتایج آزمون فرضیه‌های تحقیق

فرضیه	متغیر مستقل	اثر	متغیر وابسته	تخمین	آماره t	نتیجه
H1	نرخ سود بانکی	←	بنگاهداری بانک‌ها	۰/۲۲۶	۶/۰۹۲	تائید
H2	استقلال بانک مرکزی	←	بنگاهداری بانک‌ها	۰/۱۸۴	۶/۰۲۸	تائید
H3	قوانین و مقررات	←	بنگاهداری بانک‌ها	۰/۱۸۵	۸/۴۵۵	تائید
H4	سیستم نقل و انتقال دارایی‌های بانکی	←	بنگاهداری بانک‌ها	۰/۳۲۱	۱۷/۴۹۵	تائید
H5	سند بازل	←	بنگاهداری بانک‌ها	۰/۱۳۱	۶/۸۳۳	تائید
H6	انتصاب مدیران	←	بنگاهداری بانک‌ها	۰/۰۵۴	۳/۴۷۶	تائید
H7	بانک‌های دولتی	←	بنگاهداری بانک‌ها	۰/۰۷۲	۴/۱۰۹	تائید
H8	بانک‌های خصوصی	←	بنگاهداری بانک‌ها	۰/۰۸۷	۴/۹۲۴	تائید
H9	میزان سرمایه‌گذاری	←	بنگاهداری بانک‌ها	۰/۰۸۶	۳/۵۹۲	تائید
H10	شرایط اقتصادی کشور	←	بنگاهداری بانک‌ها	۰/۰۸۵	۳/۹۱۶	تائید
(ns = no significant, *p < .05, **p < .01, ***p < .001)						

1 Tenenhaus

بحث و نتیجه‌گیری

در این مطالعه به راهکارهای برون‌رفت بانک‌ها از چالش سرمایه‌گذاری با روش توصیفی-پیمایشی پرداخته شد. نتایج آزمون فرضیه‌های تحقیق به شرح زیر به دست آمد.

فرضیه اول حاکی از ارتباط معنادار بین میزان سود بانکی و بنگاه‌داری بانک‌ها بوده که با توجه به نتایج آزمون‌های آماری اثبات شد؛ و نتیجه این فرضیه با نتایج پژوهش قاسم‌زاده جوشین (۱۳۹۵) همخوانی دارد. فرضیه دوم حاکی از ارتباط معنادار بین مستقل شدن بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و بنگاه‌داری کردن بانک‌ها بوده که با توجه به نتایج آزمون‌های آماری اثبات شد. نتیجه این فرضیه با نتایج پژوهش بوستانی و صلوی تبار (۱۳۹۶) همخوانی دارد. فرضیه سوم مبنی بر رابطه معنادار بین وضع قوانین و مقررات مبارزه با بنگاه‌داری بانک‌ها طبق نتایج آزمون‌های آماری تأیید شد. نتیجه این فرضیه با نتایج پژوهش نیلی و همکاران (۱۳۹۴) مطابقت دارد. در مورد فرضیه‌های چهارم، یعنی وجود ارتباط معنادار بین سیستم جامع نقل و انتقال اطلاعات در خصوص دارایی‌های بانک‌ها و مؤسسات مالی و اعتباری با بنگاه‌داری بانک‌ها، فرضیه پنجم، وجود ارتباط معنادار بین رعایت الزامات سند بازل (کفایت سرمایه، ریسک دارایی‌ها و ...) و بنگاه‌داری بانک‌ها، فرضیه ششم، وجود ارتباط معنادار بین انتصاب مدیران شایسته برای بانک‌ها با بنگاه‌داری بانک‌ها، فرضیه هفتم، وجود ارتباط معنادار بین میزان ورود بانک‌های دولتی با بنگاه‌داری بانک‌ها، فرضیه هشتم، وجود ارتباط معنادار بین میزان ورود بانک‌های خصوصی با بنگاه‌داری بانک‌ها، فرضیه نهم، وجود ارتباط معنادار بین میزان سرمایه‌گذاری بانک‌ها و بنگاه‌داری آن‌ها و در نهایت فرضیه دهم، وجود ارتباط معنادار بین آثار و تبعات بنگاه‌داری بانک‌ها با مشکلات اقتصادی کشور نتایج آزمون‌های آماری نشان از تأیید تمامی این فرضیه‌ها بوده است به‌طوری که در سطح اطمینان ۹۵٪ می‌توان پذیرفت تأثیر این عوامل بر بنگاه‌داری بانک‌ها مثبت بوده است. نتایج مطالعات به دست آمده از نیلی و همکاران (۱۳۹۴)، تبریزیان (۱۳۹۶)، خوانساری و قلیچ

(۱۳۹۴)، قاسم‌زاده جوشین (۱۳۹۵)، مرکز پژوهش‌های مجلس (۱۳۹۵) و شریف مقدسی (۱۳۹۶) با نتایج فرضیه‌های این تحقیق هم‌راستا می‌باشند.

بررسی‌های انجام گرفته نشان می‌دهد علی‌رغم اینکه مسئله بنگاهداری بانک‌ها یکی از مسائل بسیار جدی و مهم امروز سیستم بانکی و اقتصادی کشور بوده ولی کار مهم و درخور توجهی در این زمینه تاکنون صورت نگرفته است لذا در این مطالعه سعی بر آن بوده است علت‌های ورود به بنگاهداری و راهکارهای خروج از آن را با استفاده از آخرین اطلاعات ترازنامه بانک‌ها و مطالعات اسنادی و سایت‌های مختلف بانکی با روش برآورد معادلات ساختاری معرفی و بررسی نماید. با توجه به نتایج حاصل شده از قسمت قبلی، این مطالعه راهکارهای زیر را برای بانک‌های کشور پیشنهاد می‌کند:

۱. تدابیری اتخاذ گردد که بانک‌ها را ملزم کند در صورت افزایش میزان دارایی‌های بانک بیش از آنچه که قوانین بانکداری و قانون بدون ربا تصویب کرده‌اند مجازات سنگین اعمال گردد تا آن افزایش سرمایه را به اقتصاد کشور تزریق کنند.
۲. قوانین و مقررات باید حد مجاز افزایش سرمایه را به صورت کمی تعیین کنند و اجازه افزایش بیش از آن مقدار از بانک‌ها سلب کنند.
۳. تدابیری اتخاذ گردد که بانک‌ها بتوانند درآمدزایی خود را از طریق دیگری کسب نمایند و کمتر به فکر بنگاهداری سوق پیدا کنند.
۴. استقلال بانک مرکزی، هرچند در قانون برنامه پنجم توسعه، اختیارات بانک مرکزی و شورای پول و اعتبار در زمینه نظارت بر بانک‌ها و مؤسسات اعتباری افزایش یافته است اما این کافی نمی‌باشد لذا لازم است اختیاراتی به بانک مرکزی داده شود که بانک‌ها جهت سوق گرفتن به بنگاهداری بانک مرکزی را به عنوان یک سد محکم در نظر بگیرند.
۵. مشخص نمودن دستگاه و یا نهاد خاصی جهت پاسخگو بودن و داشتن اختیارات قانونی لازم جهت اقدام عملی علیه بنگاهداری بانک‌ها. تاکنون هیچ نهاد مالی و یا

غیرمالی مسئولیت این مشکل اقتصادی را بر عهده نگرفته است و فقط در حد مطرح کردن آن پیش می‌روند.

۶. کاهش تعداد بانک‌ها و شعب ذی‌ربط آن‌ها جهت افزایش نظارت بانک مرکزی در خصوص رعایت آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های ابلاغی.

۷. عدم همکاری دستگاه‌ها، وزارت خانه‌ها، سازمان‌های دولتی و ... جهت واگذاری سهام شرکت‌ها به بانک‌ها.

۸. تأسیس شرکت‌های سرمایه‌گذاری و انتقال سهام بانک‌ها در شرکت‌ها و بنگاه‌ها، سهام بانک‌ها ناشی از بنگاه‌داری در بورس توسط هلدینگ‌های سرمایه‌گذاری به فروش رود.

بانک‌ها به‌عنوان مؤسسات مالی و خدماتی نقش تعیین‌کننده‌ای در گردش پول و ثروت جامعه بر عهده دارند و از این رو نقش بسیار زیادی در توسعه اقتصاد هر کشور ایفا می‌کنند. لذا لازم جهت ارتقای جایگاه واقعی بانک‌ها از عواملی که سبب بنگاه‌داری بانک‌ها می‌شوند به‌عنوان یک مشکل اقتصادی جلوگیری کرد؛ بنابراین برای محققین آتی پیشنهاد می‌شود در مورد علت‌های ورود بانک‌ها به بنگاه‌داری، در خصوص نحوه درآمدزایی بانک‌ها با رویکرد عدم ضربه به سیستم اقتصاد کشور تحقیق جامع‌تری انجام دهند.

فهرست منابع

- بوستانی، رضا و صلوی تبار، شیرین (۱۳۹۶). «بررسی استقلال بانک مرکزی ایران از بعد مالی»، روند، ۲۴(۷۸)، ۷۵-۱۰۸.
- پور صفر، زینب و معصومی‌نیا، علی (۱۴۰۱). «تحلیل و بررسی ارتباط بین بنگاه‌داری بانک‌ها و رشد اقتصادی ایران»، ماهنامه جامعه‌شناسی سیاسی ایران، ۵(۷)، ۸۲۳-۸۴۸.
- تاری، فتح اله (۱۳۹۵). «اصلاح ساختار بانک مرکزی از حیث استقلال سیاسی و اقتصادی»، مجلس و راهبرد، ۲۳(۸۸)، ۲۹۷-۳۲۴.
- تبریزیان، مهدیه (۱۳۹۶). «بررسی عوامل مؤثر بر ساختار سرمایه بانک‌ها در ایران: با تأکید بر نسبت کفایت سرمایه و ریسک اعتباری»، پایان‌نامه مقطع ارشد، دانشگاه خوارزمی.
- حامدی، میثم (۱۳۹۲). «قانون داد-فرانک تغییرات در سیستم بانکی»، مدیریت پژوهش، توسعه و مطالعات اسلامی، سازمان بورس و اوراق بهادار.
- خوانساری، رسول و قلیچ، وهاب (۱۳۹۴). «اولویت‌بندی عوامل مؤثر بر تحقق سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی در نظام بانکی با استفاده از روش تاپسیس فازی»، تحقیقات مالی اسلامی، ۵(۱۰۹)، ۸۹-۱۱۸.
- داوری، علی و رضازاده، آرش (۱۳۹۲). «مدل سازی معادلات ساختاری با نرم‌افزار PLS»، تهران: سازمان انتشارات جهاد دانشگاهی.
- ربیع‌زاده، محمد (۱۳۹۳). «سرمایه بانک‌ها»، تهران: عصر نوین.
- شریف مقدسی، علیرضا (۱۳۹۶). «پدیده بنگاه‌داری در نظام بانکی ایران و اثرات آن بر اقتصاد کلان از منظر سیاست‌های پولی و احتیاطی»، پایان‌نامه مقطع ارشد، مرکز تحصیلات تکمیلی.
- قاسم‌زاده جوشین، فرزانه (۱۳۹۵). «بررسی اثر بنگاه‌داری بر سودآوری بانک‌های منتخب در ایران»، پایان‌نامه مقطع ارشد، دانشگاه خوارزمی.
- کریمی وردنجانی، رضا؛ حسن‌زاده سروستانی، حسین؛ حسین قوام، محمد و غفاری، امیر (۱۳۹۹). «شناسایی و رتبه‌بندی عوامل مؤثر بر ایجاد پدیده بنگاه‌داری در نظام بانکی جمهوری اسلامی ایران و تبیین پیامدهای حاصل از آن»، تحقیقات مالی اسلامی، ۱۰(۱)، ۳۷۷-۴۱۰.

نیلی، فرهاد؛ خوشنود، زهرا و شاهچراغی، مهشید (۱۳۹۴). «ارزیابی فضای کسب‌وکار بانکی با تأکید بر محیط قانونی و مقرراتی در ایران»، فصلنامه سیاست‌های مالی و اقتصادی، ۳(۱۰)، ۳۳-۶۶.

هادی زنوز، بهروز و برمکی، افشین (۱۳۹۵). «انتشارات نوین طراحان آزاد؛ ارزیابی سیاست‌های پولی و نظام بانکی در ایران»، تهران: نوین طراحان آزاد.

Barclay, D., Higgins, C., & Thompson, R. (1995). The partial least squares (PLS) approach to causal modeling: Personal computer adoption and use as an illustration. *Technology studies*, 2(2), 285-309.

Berend, L. T., & Ranki, G. (1980). Foreign Trade and the Industrialization of European Periphery in the XIXth Century. *Journal of European Economic History*, 9(3), 539.

Diamantopoulos, A., Sarstedt, M., Fuchs, C., Wilczynski, P., & Kaiser, S. (2012). Guidelines for choosing between multi-item and single-item scales for construct measurement: a predictive validity perspective. *Journal of the Academy of Marketing Science*, 40(3), 434-449.

Fama, E.F., & Jensen, M.C. (1983). Separation of ownership and control. *Journal of Law and Economics*, 27, 301-325.

Henseler, J., Ringle, C. M., & Sinkovics, R. R. (2009). The use of partial least squares path modeling in international marketing. In *New challenges to international marketing* (Vol. 20, pp. 277-319). Emerald Group Publishing Limited.

Hulland, J. (1999). Use of partial least squares (PLS) in strategic management research: A review of four recent studies. *Strategic management journal*, 20(2), 195-204.

Tenenhaus, M., Amato, S., & Vinzi, V. E. (2000). A global Goodness – of – Fit index for PLS structural. In *Proceedings of the XLII SIS Scientific Meeting*, 1(2), 739-742.

Werts, C. E., Linn, R. L., & Jöreskog, K. G. (1974). Intraclass Reliability Estimates: Testing Structural Assumptions. *Educational and Psychological Measurement*, 34(1), 25-33.

